جبارت از وقفه بر عرفات موقف فاطر کاینات عکوف بر جبل الرحمت نمونه ملازمت درگاه رحمانیست بصدق التجا و الجا رت
بارگاه رحمت بحسن عهد و دا حقیقت خلق آنست که آثار عبودیت را بانوار الوهیت محو نماید سر طواف چنانست که از دام
بشریت خارج شده بر حوالی کعبه ربوبیت طوف فرماید و برای وقوف بر اسرار حج ابرار اراد و سه بیتی از تحفة الاحرار نظامی ثبت
بت بار میعاد تعبد رسان ؛ رخت میقات تجرد رسان ؛ رشته زنار بسوزن مکش ؛ خلعت سوزن زده در تن مکش ؛
هر چه بران بخیه زدی ماه و سال ؛ ای برون زان همه سوزن مثال ؛ لب بگشا یافتن کام را ؛ نعره لبیک زن احرام را ؛ سوی حرم
رخ کرد ناک ؛ سینه خراشیده و دل دردناک ؛ رو بحرم کن که دران خوش حریم ؛ هست سیه پوش نگاری مقیم ؛ قبله خوبان
روی او ؛ سجده مشوخان عجم سوی او ؛ باد چو در دامنش آویخته ؛ غالیه در جیب جهان ریخته ؛ باز شکن دامن شب رنگ او ؛ دیده جان
سرمه کش از سنگ او ؛ چون تو از آن سنگ شوی بوسه چین ؛ بوسه زن دست که باشی به این ؛ از لب زمزم شو این زنده
گز دم ما زنده دلند این همه ؛ سوی قدم گاه خلیل اندر آی ؛ پا چو نیابی به پیش دیده سای ؛ پای مروت بسوی مروه نه ؛ چهره صفوت
بصفا جلوه ده ؛ تا نشود در عرفات وقوف ؛ کی شود از راه نجات توقف ؛ کیش منی را بمنا ریز خون ؛ نفس فنی را بفنا کن
زبون ؛ سنگ بدست آر زدی جمار ؛ دیو هوا کن از آن سنگسار ؛ ای درویش اسرار اهل التحقیق در باب حج بسیار
است بجهت اختصار اقتصار افتاد علما دین که حجاب خفا از وجوه ترتیب آیات و سور برداشته اند درین محل لوای کلام در فضائل
و هوای اخبار رهوای اعلام بدین گونه برافراشته اند که یهود آیات فضائل کعبه را از توریت خوانده بودند و حقیقت وجوب
حج بر اهل استطاعت دانسته اما از روی حسد و جهالت چهره انصاف از حجاب کتمان میپوشیدند حق سبحانه بعد از ذکر فضیلت
پرده از کار ایشان بر داشته میفرماید که قُلْ بگو ای محمد با علما یهود که يَا أَهْلَ الْكِتَابِ ای اهل توریه ایشان را اهل
کتاب گفت برغم ایشان برای احتجاج و الا ایشان اهل کتاب نبودند چه اهل کتاب تابع آن باشد چنانچه درین امت اهل القرآن
گویند مر طایفه را که اهلیت آن دارند و قول بعضی آنست که ایشان اهل کتاب لِمَ تَكْفُرُونَ چرا کافر میشوید و منکر میشوید
بِآيَاتِ اللَّهِ آیتهای خدا را که در وجوب حج فرو آمده و شما میدانید که حقست یا چرا میپوشید آیتها توریه را که در نعت حضرت
رسالت نازل شده یا چرا کافر میشوید بقرآن یا بمعجزات پیغمبر آخر الزمان یا بآیات سمعیه و عقلیه که دال است بر صدق قول محمد صلی الله علیه
وَاللَّهُ و حال آنکه خدای شَهِيدٌ مطلع است و گواه عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ بر آنچه شما میکنید از کتمان احکام توریه و قبول نا
قول پیغمبری بحق و چون ایشان متصف بدو صفت قبیح بودند یکی کفر بآیات ربانی و دیگری منع کردن مردم از دین اسلام
درین آیه ذکر کفر ایشان کرد و در آیه لاحق بیان صد ایشان مینماید و جهت مبالغه در تقریع و نفی عذر ایشان و اشعار بآنکه هر یک از دو
فی نفسه مستقبح است خطاب را مکرر ساخته میگوید قُلْ ای محمد واسطه جهت اهانت ایشانست و ایشان را لایق خطاب
خطاب رب الارباب نیست يَا أَهْلَ الْكِتَابِ گفته اند کتاب را در ترجمه یعنی اهل کتابی که آنرا بدست خود تحریف کردند
و از روی عناد تغییر داده پس این ندای مذمت مر ایشان را و هم دلیل فهم است آنگه بعد ازین میگوید لِمَ تَصُدُّونَ

بگیند

میکنید و باز میدارید عَن سَبِيلِ اللَّهِ از راه خدای که خلایق مامورند بسلوک بران و آن دین اسلامست مَنْ آمَنَ کسی را که گرویده است
بخدای و دین حق را قبول کرده مراد عمار یاسر است و رفقا او که یهود ایشان را از کیش خویش میخواندند حق سبحانه سرزنش ایشان بسبیل
استفهام میفرماید که چرا خلق را از راه خدا باز میدارید تَبْغُونَهَا میطلبید برای آن راه راست عِوَجًا کجی و انحراف تعجب
و آنست که آن کج پنهان ناراست درین طریق مستقیم طالب عوج بودند و حال آنکه کجی و راستی باهم جمع نشوند شد ایشان درین راه
انچه از کجی میجستند نمی یافتند اما از روی تلبیس بید کاری و ساده دلان پلیس بر دمار و اورکان می افکندند که درین دین عوجی است
گاهی این حیله می انگیختند که شریعت موسی منسوخ نشود و گاهی این تدبیر میکردند که این آن پیغمبر موعود نیست و تغیر صفت
آنحضرت و تبدیل نعت او میکردند حق تعالی میفرماید چرا چنین میکنید وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ و حال آنکه شما گواهانید بر آنکه راه راست دین
پسندیده اسلامست یا میدانید که توریه مشتمل بر نعت پیغمبر آخر الزمان علیه الصلوة و السلام است یا میشناسید که باز داشتن از راه خدای
بدترین آثام است یا شما شاهدانید و عدول اید در میان قوم خود و همه ایشان بقول شما واثق اند پس از شما چه لایق باشد بر باطل
اصرار نمودن و از طریق حق انحراف ورزیدن ای عزیز چون منکر ایشان که در آیت سابق مذکور شد کفر بود و ایشان در آن مجاهر بودند
ختم آیه بر شهادت مناسب نمود و درین آیه ذکر صد نمود منافقت و آن امریست مخفی لاجرم اختتام آن بر عدم غفلت است که
وَمَا اللَّهُ و نیست خدای تعالی بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ بیخبر از آنچه شما میکنید وعیدی تمام است هر که مقرر داند که حق تعالی از اعمال
و احوال او غافل نیست بی شبهت از خواب غفلت بیداری یابد و از مستی شراب غفلت هشیار گردد بت غافل مشو ای دل که
جان بر گذرست ؛ منشین بمراد خود که وقت سفرست ؛ در بیخبری عمر بپایان کویی ؛ حیرت نیست که حق با خبرست بعد از
توبیخ یهود بر منکرات که از ایشان صادر میشد منع مینماید مومنان را از متابعت ایشان و میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا درین خطاب
رفع واسطه کرد برای اظهار قدر اهل ایمان و اشعار بآنکه ایشان را استحقاق آن هست که با ایشان خطاب کنند و مضمون خطاب
اینست که ای مومنان إِن تُطِيعُوا فَرِيقًا اگر فرمان برید گروهی را مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ از یهود که خود را اهل کتاب میدانند وقتی
شاس بن قیس و اصحاب او بودند و این شاس شخصی بغایت حقود و حسود بود شب و روز در کین اهل ایمان بر میان بسته و
در تفحص عیب جویی و بدگویی ایشان بر شارع اشتغال نشسته میخواست که میان مسلمانان احداث فتنه کند و سنگ تفرقه در مجمع
جهان انصار افکند عاقبت تیر تدبیر او بر هدف مراد نیامد و مقصود آن قاصد شر در قصد اصحاب خیر البشر محصل گشت ع بد خواه
کسان هیچ بمقصود نرسد در اسباب نزول آورده که پیش از ظهور دولت اسلام همواره میان اوس و خزرج که دو قبیله از انصار
بودند در مدینه داعی حرب ظهور داشتی و هر یک از قبیلتین همگی همت بر انتقام آن دیگر گماشتی ببرکت مقدم سید عالم صلی الله علیه
آن عداوت بمحبت مبدل و مقلب القلوب دلها همه با یکدیگر بتعریف ذات خویش تألیف داد و حسود آن یهود خواستند که میان
این دو قبیله عقلیه عداوت تازه کرد و داعیه حرب قدیم تجدید پذیرد و تا رابطه الفت و واسطه اتحاد که بتایید الهی تاکید یافته از میان
این دو قبیله عقلیه عداوت تازه کرد و داعیه حرب قدیم تجدید پذیرد و تا رابطه الفت و واسطه اتحاد که بتایید الهی تاکید یافته از میان

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)